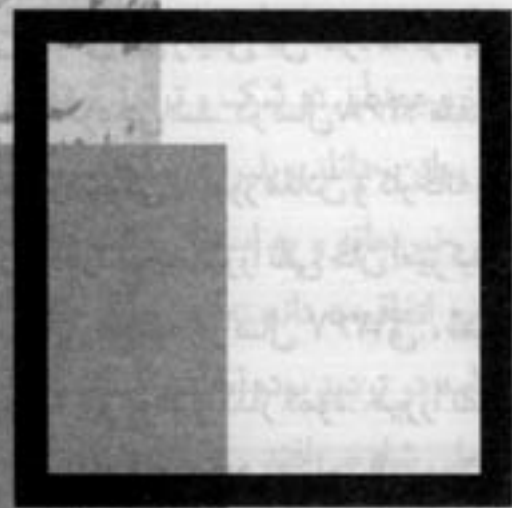


# جهاد اکبر

سال اول

سایر روایات افلاک با ضابطه و قمت  
و جبهه بوزار بهر بعد از کرسیل سه غره که  
اعلانات با نفعه سبیل دولت  
مجانا نوشته میشود



## «جهاد اکبر» برگی در روزنامه نگاری اصفهان

### در عصر مشروطه

فروغ الزمان نوری اصفهانی

۲۵ قران و ۶ ماهه آن ۱۵ قران» و برای دیگر شهرهای کشور این مبلغ به «اضافه قیمت پست» بود. نکته حائز اهمیت اینکه جهاد اکبر تاکید می کرد «اعلانات نفعه به حال دولت و ملت مجاناً درج می شود.»<sup>۲</sup> در بین روزنامه های اصفهان عصر مشروطه، روزنامه جهاد اکبر یگانه روزنامه ای بود که فهرست مطالب هر شماره را در صفحه اول اعلام می کرد. به نظر می رسد این شیوه را از روزنامه های حبل المتین (چاپ کلکته)، ثریا (چاپ استانبول) و حکمت (چاپ قاهره) اقتباس کرده باشد. روزنامه جهاد اکبر به لحاظ کیفیت مطالب و انتشار اخبار یکی از بهترین روزنامه های اصفهان در دوره مشروطیت است و برخلاف دیگر روزنامه های اصفهان بالنسبه پایدار بود و فعالیت آن به سال دوم نیز رسید و آخرین شماره آن روز شنبه ششم رجب ۱۳۲۷ق. با شماره ۲۲ انتشار یافت. در ابتدا میرزا علی آقا خراسانی علاوه بر مدیریت، نویسنده روزنامه نیز بود و از شماره ۲۶ تا ۳۹ سال اول جهاد اکبر، دبیر و نگارنده آن «میرزا محمدعلی علم» بود و «مجدالاسلام کرمانی» نیز هنگام اقامتش در اصفهان در ماه های نخست ۱۳۲۷ق.، با جهاد اکبر همکاری نزدیک داشت.<sup>۵</sup>

### روش و خط مشی جهاد اکبر

در سرلوحه این روزنامه از شماره اول به بعد، خط مشی این روزنامه

اولین روزنامه ای که پس از صدور فرمان مشروطیت در اصفهان منتشر شد، روزنامه «الجناب» بود؛ مدیر آن حاج میر سیدعلی جناب، با ترس و احتیاط بسیار شماره نخست این روزنامه را منتشر کرد؛ زیرا «در اصفهان روزنامه خوانان معدود و معروف و خائف بودند.»<sup>۱</sup> از این رو برای جلوگیری از اقدامات معاندین، در سرلوحه شماره اول الجناب تاکید شده بود: «به فضل حق در تحت توجهات حضرت اشرف شریعتمدار ثقه الاسلام دامت برکاته» منتشر می شود.<sup>۲</sup>

مدت کوتاهی پس از انتشار روزنامه الجناب ضرورت های سیاسی و اجتماعی آن زمان و لزوم اطلاع رسانی و آگاه کردن مردم موجب شد تا روزنامه های دیگری در اصفهان منتشر شود. روزنامه «جهاد اکبر» از جمله مهمترین روزنامه های اصفهان در دوره مشروطیت است.

روزنامه جهاد اکبر از ششم محرم ۱۳۲۵ق. به مدیریت «میرزا علی آقا خراسانی» در اصفهان انتشار یافت که تا ششم رجب ۱۳۲۷ق. تداوم یافت.<sup>۳</sup>

در سال اول انتشار، این روزنامه، در هشت صفحه به قطع ۱۲ x ۴۳ سانتیمتر با چاپ سنگی و خط نستعلیق و کاغذ مرغوب منتشر می شد که از شماره ۶ سال دوم تعداد صفحات آن به ۴ صفحه کاهش یافت، ولی به جای یک شماره، ۲ شماره در هفته منتشر می شد.

آبونه جهاد اکبر در سال اول برای علاقه مندان در اصفهان «سالانه

چنین اعلام شده بود: «جریده‌ایست مطلق و آزاد، محرک سلسله حمیت و اتحاد، مهذب اخلاق و محتر از انفاق. در مواقع لازمه بیانات نافعه علمیه و مقالات ادبیه و سیاسیہ نیز مندرج خواهد شد.» در برخی شماره‌های سال دوم تغییری در این توضیح دیده می‌شود، از جمله می‌خوانیم: «حریت، عدالت، مساوات، اخوت، مروت، آزادی، آبادی» اما این را باید به عنوان شعار روز این روزنامه دانست، زیرا در سرلوحه شماره ۲۲ سال دوم (که گویا آخرین شماره جهاد اکبر است) همان توضیح سرلوحه شماره اول سال اول چاپ شده است. جهاد اکبر روزنامه‌ای سیاسی، تحلیلی و خبری بود و مطالب آن، حوزه وسیعی از رخدادهای و مسائل شهر اصفهان و برخی حوادث ایران را در بر می‌گرفت. در زیر به نمونه‌هایی از آن خواهیم پرداخت.

### ۱. مشروطیت و استبداد

در این زمینه «جهاد اکبر» حمایت همه جانبه‌ای از مشروطه خواهان به عمل می‌آورد و کوچک‌ترین حرکت و اقدام مشروطه خواهان را در صفحات خود منعکس می‌نمود و در مخالفت با مخالفان مشروطیت از به کارگیری الفاظ رکیک و دادن نسبت‌های زشت نیز اجابی نداشت. برای نمونه دو برخورد با مشروطه خواهان و مخالفان مشروطه را از «جهاد اکبر» می‌آوریم: این روزنامه در مورد سالروز صدور فرمان مشروطیت (۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ ق.) می‌نویسد: «... روز چهاردهم شهر جمادی الآخر مقارن است با اقامه مجلس و استقرار مشروطیت و روزیست که ملت به حقوق خود رسیده و به تمدن و ترقی شروع نمودند. بنابراین این روز میمون را عید دانسته جشن» خواهند گرفت. و در مورد ظل السلطان حاکم ستمگر اصفهان که به رغم تظاهر به مشروطه خواهی وی را «جرثومه استبداد» می‌شناختند نوشت: «... هواخواهان حضرت والا که الوار و جمعی دیگر که از ریا خالی نیستند، می‌باشند» و آن گاه در گزارش مشرووحی به تبیین اقداماتی برای تشکیل آن در اصفهان (روز جمعه ۲۶ شعبان ۱۳۲۵) پرداخت و نوشت که این، همانا «نمایش اتحاد معنوی» است و دعوت برای تشکیل آن قشون ملی آنگاه که «به گوش تمام ابنای وطن رسید، خون ملت به جوش و عرق اخوت اسلامی در جوش آمد و سلسله برادری جنیند گرفت.»<sup>۸</sup> و آن گاه خواستار مشارکت گسترده و همه جانبه تمام «فدائیان وطن مقدس» شد. همچنین در جریان تلاش برای تشکیل بانک ملی ایران، روزنامه جهاد اکبر با مقالات متعدد خواستار مشارکت همه جانبه مردم در امر تشکیل آن می‌شود.<sup>۹</sup>

جهاد اکبر پس از به توپ بسته شدن مجلس شورای ملی و در دوره

استبداد صغیر با جمع‌بندی از وقایع دوره اول مجلس شورای ملی نوشت: «به حکم ضرورت تکلیف مردم ایران اینست که ترتیب مشروطه درست کردن را از ملل مشروطه عالم، که سال هاست سالک این مسلک هستند، بیاموزند و بی جهت راه خود را دور نکنند و راهی را که دیگران یافتند در علم و تجربه در یگروز بیمایند به جهل و خسارت در ده سال می‌پیماییم. البته ملت فرانسه و انگلیس و عقلائی لندن و پاریس دو سه قرن است در تکمیل اساس مشروطه متحمل زحمت شده‌اند تا بالاخره اصول کلیه تمدن را به خوبی پیدا کرده‌اند و چندین مرتبه قواعد انتخابات خود را جرح و تعدیل نموده‌اند و طرق بعیده را با پای غیرت و همت پیموده‌اند تا اقرب طرق و بهترین قواعد را به دست آورده‌اند. پس ملت ایران هم در این مرحله حتماً باید از آنها تقلید و تبعیت نمایند تا به سر منزل مقصود برسند. به علاوه دو سال ایام مشروطیت ایران بر ما مدلل کرد که معایب پارلمان چیست و مغل اساس تمدن کیست. اگر واقعاً مشروطه طلبان ایران حاضر باشند، حتماً باید معایب پارلمان سابق را در نظر داشته باشند. در واقع آنها بکوشند بی پرده و ملاحظه بگویند پارلمان سابق ما اساس درستی نداشته و حقیقت قواعد انتخابیه ما غلط بوده است و وکلای ما به غلط



انتخاب شدند، نه این که ما از تمام و کلا گله و شکایت داشته باشیم بلکه اساس انتخاب غلط بود.»<sup>۱۵</sup>

مشکلات کشور کاهش یابد: «با الغای تیول تا اندازه‌ای ترقی در مالیه ایران خواهد شد.»<sup>۱۵</sup>

## ۲- ترویج صنایع ملی

جهاد اکبر همانند دیگر روزنامه‌های مشروطه خواه اصفهان، ترویج صنایع ملی و تحریم کالاهای خارجی را امری بسیار اساسی و لازم می‌شمارد و از مردم می‌خواهد با تحریم این کالاها و تقویت صنایع ملی، به حمایت و یاری دولت برخیزند، زیرا معتقد بود صنعت و تجارت کاملاً با سیاست مرتبط است و برای حفظ استقلال کشور بایستی به مقابله با تجار خارجه برخاست.<sup>۱۶</sup>

## ۵- اخبار و مطالب کشوری و شهری

در این زمینه جهاد اکبر بسیار فعال بود و رخدادهای مهم و اساسی، چه در شهر اصفهان و چه در دیگر شهرهای کشور را منعکس و به تفسیر پاره‌ای از این اخبار مبادرت می‌نمود. در تقابل مشروطه خواهان و مخالفان آنها به ارزیابی و بررسی آن می‌پرداخت و در برخی موارد به ارائه راه حل‌هایی دست می‌زد.<sup>۱۶</sup>

## ۳- آزادی مطبوعات

جهاد اکبر مانند سایر روزنامه‌های آن دوره در سرلوحه، خود را روزنامه‌ای «آزاد» می‌نامد؛ چنانچه از فحوای کلامش پیداست «حدود روزنامه نگاری» را می‌داند و حقیقتاً پاس حدود و حقوق نگارش حفظ مراتب و شئون معارف است و از هر چیز الزام است که قلم به دست غدار دادن شمشیر بدست شخص بی‌هزم ... دادن است و «بزرگترین نتیجه مشروطیت را آزادی و اعظم [آن را] آزادی مطبوعات» می‌داند و اما در دوره استبداد صغیر بعد از آن که آن همه جرائد آزاد داشتیم، یک مرتبه ... ایران مثل دوره دقیانوس اعظم بی‌روزنامه ماند<sup>۱۷</sup> جهاد اکبر از انتشار روزنامه‌های جدید استقبال می‌کرد و با چاپ «تقریظ»هایی به تشویق مدیران و نویسندگان آن می‌پرداخت.<sup>۱۸</sup>

## اخبار و مذاکرات انجمن ولایتی اصفهان

روزنامه جهاد اکبر مانند دیگر روزنامه های اصفهان بخشی از صفحات خویش را به مذاکرات و اخبار انجمن ایالتی اصفهان اختصاص می‌داد و این در حالی بود که انجمن ایالتی اصفهان دارای ارگان مطبوعاتی معین، یعنی روزنامه انجمن بود.

The image shows a page from the newspaper 'Jehad-e Akbar'. At the top, there is a large title 'جهاد اکبر' (Jehad-e Akbar) in a decorative font. Below the title, there are several columns of text in Persian. The text appears to be a mix of news, editorials, and possibly a list of names or events. The layout is typical of early 20th-century newspapers. There are some circular stamps or logos on the page, and the text is written in a clear, legible hand.

## ۴- مخالفت با تیول و تیول داری

جهاد اکبر برای کاستن از مشکلات کشور و همچنین تقلیل معضلات روستائیان بر الغای تیول و برانداختن رسم تیول داری تأکید می‌کرد و مقاله‌هایی در این باره منتشر می‌نمود، مثلاً در مقاله‌ای می‌نویسد: معایب تیول گرچه بیش از آنست که تعداد شود، ولی ما سطری از آن می‌نگاریم، عمده بی‌نظمی قشون ایران به همین واسطه است که افواج از املاک تیولی و در تحت اوامر صاحب تیول واقع شده و... آنچه باعث تعجب است و عقل باور نمی‌کند، اینست که افواج را مانند املاک نیز تیول کرده‌اند و چون در حوزه ارباب تیول گرد آیند و تفاخر به املاک تیولی خویش کنند جمعی هم تفاخر به افواج تیولی خود نمایند و دیگر از مفاسد تیول احتکار است که این فساد آن درباره تمام مملکت است.<sup>۱۹</sup>

جهاد اکبر امیدوار بود با الغای تیول از سوی مجلس شورای ملی

اخبار و مقالات پیرامون دیگر کشورها

روزنامه جهاد اکبر به منظور آگاه ساختن اهالی اصفهان از رخدادها و تحولات دیگر کشورها، در برخی شماره‌ها مطالبی در این زمینه منتشر می‌ساخت؛ امری که در دیگر روزنامه‌های اصفهان سابقه نداشت.<sup>۱۷</sup> فعالیت روزنامه جهاد اکبر به رغم کودتای محمدعلی شاه همچنان ادامه یافت و سرسختانه به مخالفت با محمدعلی شاه برخاست؛ به گونه‌ای که پس از فتح تهران و برکناری محمدعلی شاه، جهاد اکبر در آخرین شماره خویش نوشت:

از دست و زبان که برآید

کز عهده شکرش بدر آید پوشیده نیست که در این موقع باریک تمام سیاسیون عالم متوجه به طرف ایران بودند که پس از این زحمات، جانفشانی‌های ملت در راه آزادی و حریت آیا نتیجه خواهند گرفت، و یا آن که به دست خود وطن عزیزشان را به مخاطره عظیم خواهند داشت.<sup>۱۸</sup>

عانتقاد از وضعیت فرهنگی اصفهان

جهاد اکبر برخلاف روزنامه‌هایی که با تعصب محلی تلاش می‌کردند عیوب و اشکالات شهر و دیار خود را بیپوشانند، بی‌پروا به انتقاد از کاستی‌ها و ضعف‌های شهر و مردم اصفهان می‌پرداخت.

مثلاً در پاسخ به نامه یکی از خوانندگان می‌نویسد: اصفهان که در عداد شهرهای عمده ایران به شمار می‌رود، با آن که چندین مدرسه دارد، هنوز یک مدرسه علمیّه صحیحه در او مفتوح نشده و این مدارس با آن که تماماً مدارس ابتدائیه است، سراسر نقصان است؛ چه، نه دارای کتاب و اسباب و نه صاحب دستورالعمل. آنها را مدرسه نمی‌توان گفت؛ فقط مکاتبی است قدری از مکاتب کثیفه سابق بهتر. . . . همانا تمامی این نقصانات از . . . و . . . اهالی این شهر است. هر چه ما فریاد می‌کنیم که اگر شما سالک مسلک ترقی هستید، باید از طریق علم مشی کنید و شهر تمدن فقط یک باب دارد، آن هم مدارس و مکاتب است، گویا گوش شنوا ندارند. عجالاً از طغیان قلم اعتنار می‌جوییم، باز وجود ناقص به از عدم صرف است.<sup>۱۹</sup> در پایان دو نمونه از مقاله‌های جهاد اکبر ارائه می‌شود:

... تکلیف چیست؟

«در شماره قبل نوشتیم که تکلیف امروزه، مشروطه درست کردن است و وعده دادیم که ترتیب مشروطه درست کردن را بنویسیم. حالا به وعده خودمان وفا می‌نماییم و با خوانندگان محترم رسماً شرط می‌کنیم که این مقاله را که شاید در چندین شماره نوشته می‌شود تا آخر مطالعه فرمایند که به قول اهل منبر ما هم به فیض خودمان رسیده باشیم.

شاید بعضی از برادران عزیز ما بگویند به ما چه که مشروطه درست کنیم؟ مشروطه درست کردن تکلیف پادشاه مملکت و وزرا دولت است. چرا که اولین فایده مشروطیت و بزرگترین نتیجه او اولاً و بالاصاله به پادشاه مملکت عاید شود؛ و ثانیاً به وزراء دولت؛ چه پادشاه دولت مشروطه و سلطان ملت متملن دارای خصائص و امتیازاتی است که سلاطین مستبد هزار یک آنرا آرزو می‌کنند و نائل نمی‌شوند. مثلاً پادشاه مستبد مغبوض ملت است و پادشاه مشروطه محبوب ملت، پادشاه مستبد همیشه از افراد ملت خود می‌ترسد و هیچ جرات نمی‌کند که آزادانه در میان مردم و اتباع خودش ظاهر شود و فی‌التحقیق مثل محبوس است که هر ساعت انتظار حکم قتل دارد و هر کس وارد مجلس او شود، خیال می‌کند که دژخیم یا میرغضب است و برای کشتن او آمده است و هر غذایی که برایش می‌آورند، یقین می‌کند

|  |   |  |
|--|---|--|
| <p>مجله</p> <h1 style="text-align: center;">جهاد اکبر</h1> <p>سال اول<br/>شماره ۱۳۲۵</p>   |   | <p>تاسیس و انتشار اصفهان<br/>در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۰۵<br/>پست شماره ۱۳۲۵<br/>برای</p> |
| <p>جزیره‌ایست مطلق و از ادعای سلسله‌حمیت و اتحاد مذمت اخلاق و فحش از زلفی موعظه<br/>لازم بیانات با فهمیت و تعاللات و سبب سیاست نیز نیندیشد خواهی</p>   |   |  |
| <p>و گزین می‌باید و منشی نمایان از برای کسی که او را در<br/>مصرف نماند و کیفیت صرف از آن به نماند و خواهد بود<br/>باید این پروردگار من کمال معاف از زلف و مظهر دولت و طراز<br/>بهر گزینان چنانچه از خود به او وقت می‌نورانیست<br/>شود اگر کرد دست تمام آنرا ندانیم و صرف صرفت<br/>اگر نماندیم خدای کرده و فرزند خدا ترا بهشت خواهد بود و<br/>بهر گزینان می‌بوسم مردم و مظهر دست است تا قیام و اتمام<br/>بر دست صحت خود از دستم و چشمم خواهد شد و نیز اگر برین<br/>بهر وقت آمدید اندک سبب نیز وسعت و در شرف صحت و توان<br/>و شدن در شرف صحت می‌بماند است و این اگر کس که است<br/>در دست و در حدیث و کثرت که تمام مملکت را مشغول<br/>تجدد و کثرت می‌بماند و صلاح معاش می‌بماند و این از نظر وقت<br/>و تکرار و کثرت است و تقاضای زیاد و جسمه از آنرا دولت<br/>طلب می‌بماند و پوسته رنج می‌بماند و در غایت آنرا<br/>ترصد است و پاسبان و نگهبان است و این است از معاد<br/>و شرف کثرت است و از ظلمات خارج و صدقات نورانی</p> | <p>فهرست</p> <p>بیان لغت و بیست و شش<br/>تاریخچه و تاریخ از او با<br/>تاریخچه و تاریخ از او با<br/>تاریخچه و تاریخ از او با<br/>تاریخچه و تاریخ از او با</p> <p>بیان لغت و بیست و شش</p> <p>تاریخچه و تاریخ از او با<br/>تاریخچه و تاریخ از او با<br/>تاریخچه و تاریخ از او با<br/>تاریخچه و تاریخ از او با</p> |  |

مخلوط به سم است و برای کشتن او ترتیب داده‌اند. حتی از اولاد خودشان هم اطمینان ندارند. چنان که در تواریخ سلاطین آسیا عموماً و پادشاهان ایران خصوصاً مکرر خوانده‌ایم که اولاد خودشان را کشته‌اند یا کور کرده‌اند، ولی سلاطین ممالک مشروطه ابدأ محتاج به تحفظ نیستند و تمام افراد ملت او مستحفظ وجود پادشاه هستند و پادشاه را پرستش می‌کنند و چنان که معروف و مصطلح است، پادشاه را مقدس می‌دانند و فرمان او را تالی فرمان خدا می‌شمارند: «چه فرمان یزدان چه فرمان شاه» می‌خوانند. دلیلش هم واضح است، چرا که پادشاه مستبد هر چه می‌کند به هوای نفس و اراده خودش می‌کند. پس بر هر یک از افراد تبعه که ظلمی وارد شود، بر شخص پادشاه لعن و نفرین می‌کنند و او را مسئول اعمال وزرا هم می‌دانند چرا که وزرا را او معین کرده است، نه قانون و هر حکمی که پادشاه می‌کند درباره تبعه، اگر چه عفو از گناه و بذل موجب باشد، باز هم تبعه حق اعتراض دارند. اما پادشاه مملکت متمدن هر حکمی که می‌کند مطابق قانون است و او شخصاً رئیس قوه مجریه است، پس اگر هزار نفر را بکشد، احدی حق گله و اعتراض ندارد؛ چرا که می‌گویند پادشاه مقدس است و این قتل نفس را به حکم قانون کرده، نه به هوای نفس خودش. از پادشاه مستبد تمام افراد متوقع انعام و مقرری و مواجب و مستمری هستند؛ چه می‌گویند... دولت و مالیات مملکت را او می‌گیرد و مخصوصاً فقرای ملت از پادشاه ناراضی هستند؛ چه خیال می‌کنند شاه می‌تواند آنها را غنی کند، ولی از پادشاه مشروطه احدی متوقع مساعدت نیست؛ چه

می‌دانند پادشاه حقی مخصوص و مواجبی منصوص دارد، که مجلس برای او معین می‌کند و آن هم به اندازه احتیاج پادشاه است و نمی‌تواند دیناری از آن مواجب به دیگری بدهد. به علاوه اگر کسی مستوجب مواجب یا مستحق انعام باشد، پارلمان به او می‌دهد و لازم نیست از پادشاه بخواهد. مجملاً هزار تفاوت مابین پادشاه مستبد و مشروطه است که درج تمام آنها متعذر است و احدی نمی‌تواند شبهه کند که پادشاه مستبد بهتر از پادشاه مشروطه است بنابراین تکلیف پادشاه است که زودتر دولت خود را مشروط کند و حدود خودش را محدود نماید تا محبوب ملت شود و البته مشروطه هر قدر درست تر و محکم تر باشد نفعش بیشتر به شاه عاید می‌شود و پس تکلیف پادشاه است مشروطه را درست کند، نه ما مردم بیچاره.

جواب این فقره را با نهایت عجز می‌گویم: بدبختانه هنوز پادشاه مملکت ما معنی مشروطیت را ندانسته و نگذاشته‌اند فواید مادیه آن را بدانند. به علاوه مشروطه را که ما به او نشان دادیم، اتفاقاً چندان قابل توجه و اعتنا نبود و بدون هیچ رودروایستی نمونه غیر از جنس بود، پس نباید منتظر باشیم که شاه مشروطه درست کند و باید خودمان زحمت کشیده مشروطه را درست کنیم، تا راحت او را هم ببینیم. به علاوه فرضاً شاه حاضر نشود آن همه افتخارات را نائل شود، ملت که نباید از نعمت حریت چشم پیوشد. پس ملت باید اقدام کند و عوض آن همه تهدیدات بی‌اصل و موضوع که به پادشاه می‌کنند و اسباب تعویق کار می‌شوند، خوب است بلکه لازم است فوائد مشروطیت را گوشزد او بنمایند و اطمینان کاملی به او بدهند تا از روی واقعیت مساعدت کنند؛ و تا دولت با ملت در این خصوص همراهی نکند، پیشرفت کامل برای ما حاصل نشود. چنان که دو سال امتحان کردیم و خطرات مخالفت دربار را دیدیم. چه خون‌ها که به ناحق ریخته شد، چه زنها که بی... و شوهر شدند چه اطفال بی‌گناه که یتیم و بی‌پناه شدند. چه اموال که به غارت رفت و هکذا، ده ماه است که دولت بی‌رضای ملت امور مملکت را اداره می‌کند. عواقب وخیمه این استبداد شوم را هم با تلفات پنجاه هزار نفر ایرانی و اتلاف چندین کروار اموال تبعه و تجزیه مملکت دیدیم پس بر ما بخوبی معلوم شد که نه ملت با مخالفت دولت کاری بتواند و نه دولت با عدم موافقت ملت از عهده اداره کردن برمی‌آید و حکم ضروری عقل است که یا مانع را همراه کنند یا دفع نمایند و بدیهی است که ملت ممکن نیست با دربار با آن وضع، که آنها نمونه نشان دادند، همراهی کنند پس ناچار باید دولت همراه ملت شود و الا:

زلف معشوق به دست دگران خواهد شد... «

(بنده فانی مجدلاً سلام کرمانی)



## انعقاد جشن های ملی برای استقرار مشروطیت

«برحسب این که روز چهاردهم شهر جمادی الآخر مقارن به اقامه مجلس و استقرار مشروطیت و روزیست که ملت به حقوق خود رسیده و به تمدن و ترقی شروع نمودند بنابراین، این روز میمون را عید دانسته جشن گرفتند و تمام بازارها و بازارچه های محلات و کاروانسراها و نقاط مهمه و غیر مهمه چراغان کردند و زینت و تجمل را به انتها رسانیده کمتر دیده شده بود که در اصفهان این طور چراغان عمومی و مفصل برپا شده باشد. تمام شهر با انوار چراغها روشن و به انواع تجمل مزین؛ اطراف مدرسه صدر طلاب آنجا با متولی جناب آقا میرزا محمد علی کلباسی مشغول تزئین و پذیرایی مردم و هر طبقه و صنف در بازارهای مخصوص خود، تجلی نمایان داشتند. بازار زرگران و مسگران و دوات گران و غیره همه جا شکوه و عظمت ملت را اظهار می نمودند. در خارج بازار، سرا و بازارچه ای است متعلق به جناب حاجی محمد حسین تاجر کازرانی که از مردمان غیور وطن است. آنجا را به اقسام تجمل و روشنی آراسته بودند. چنین شور و شوقی عمومی تاکنون مشاهده نشده بود و یا مردم آزادی را حس کرده بودند و به لذت تمدن رسیده. آقای ثقه الاسلام هم در تمام بازار عبور نموده، آقای شیخ الاسلام هم به همراهی ایشان حاضر بودند و در بعضی جاهای مهم جلوس می فرمودند و مردم را تشویق و ترغیب می کردند. مخصوصاً در کاروانسرای خوانساریان که حضرت ایشان به نطق های وطنی و عبارات غیرت آمیز تشکر و شادمانی می نمودند و انتباه ملت را و استتعار به حقوق خود نهایت امتنان را داشتند و هنگامی که حضرت ثقه الاسلام در بازار عبور می فرمودند صدای مردم به زنده باد مجلس ملی و پاینده باد مشروطه و برقرار باد آقای ثقه الاسلام بلند بود و نیز انجمن تجار خوانساری که شرحش در نمره آتیه می شود. مرکز تجارت ایشان در سرای ملاباشی است. جشن و چراغانی شایان برپا کرده بودند با حضور حضرت ثقه الاسلام و حاجی محمد حسین تاجر کازرانی در مغازه [ای] که به اسم اخوت خاصه منسوجات وطنی تشکیل داده و افتتاح نموده اند. در این جشن منسوجاتی که تار و پودش از دست وطن بود در معرض جلوه و ارائه آوردند، حاضرین دیدند و پسندیدند و هریک به قدر رفع حاجت خود پارچه خریدند و جناب ادیب التجرار مرتجلاً قطعه ذیل را انشا نمودند.

## حضور انجمن خطه عراق عجم

زمین چو روضه رضوان شده خوش و خرم  
در اصفهان دوسه روز است جشن و شادی و شور  
رسیده است زغبرا به نیر اعظم  
شب از چراغ و گل و سبزه و بساط نشاط  
نموده اند فراموش جشن سده و جم  
به روز عید گرفته از وفور سرور  
گرفته اند شب و روز مرد و زن باهم  
هزار شکر علی الرغم مستبید، مردم  
تمام دست به مشروطه داده اند به هم  
زهر کناری پاینده باد مشروطه  
ادیب گوید تبریک و تهنیت توام  
غرض این که جشن و چراغانی این شب، بسیار با جلالت و حشمت بود. علاوه بر بازار و شهر جلفا هم، که موطن آرامنه است، چراغان و آتشبازی مفصلی کردند و هم وطنی و هواداری خویش را نسبت به مسلمین اظهار داشتند.»

۱. الجنب، سال اول شماره دوم، سوم ذیقعده ۱۳۲۴.

۲. الجنب، سال اول، شماره اول، بیستم شوال ۱۳۲۴ ق.

۳. ناگفته نماند که روزنامه انجمن ملی اصفهان پایدارترین روزنامه اصفهان عصر مشروطه بود و انتشار آن پنج سال ادامه یافت، البته این روزنامه ارگان «انجمن ولایتی اصفهان بود.» آنچه درباره تلاوم انتشار روزنامه جهاد اکبر گفته شد، در قیاس با روزنامه هایی است که توسط اشخاص منتشر می گردید.

۴. الجنب، سال اول، شماره دوم، سوم ذیقعده ۱۳۲۴ ق.

۵. تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان / ناصرالدین پروین، ج ۲، ص ۵۵۷-۵۵۶

۶. جهاد اکبر، سال اول، شماره ۲۱، چهارشنبه ۱۶ جمادی الثانی ۱۳۲۵ ق.

۷. جهاد اکبر، سال اول، شماره ۳، اول رمضان ۱۳۲۵ ق.

۸. ر. ک. به: جهاد اکبر، سال اول، شماره ۳، پنجشنبه ۲۲ محرم ۱۳۲۵ ق.

۹. ر. ک. به: جهاد اکبر، سال اول، شماره ۱۰، محرم ربیع المولود، ۱۳۲۵، صفحه ۱

۱۰. جهاد اکبر، سال دوم، شماره ۱۱، ص ۴، شنبه ۱۰ ربیع الاول ۱۳۲۷ ق.

۱۱. جهاد اکبر، سال اول، شماره ۱۱، ص ۱، ۲۶ ربیع المولود ۱۳۲۵ ق.

۱۲. جهاد اکبر، سال اول، شماره ۱۱، ص ۱، ۲۶ ربیع المولود ۱۳۲۵ ق.

۱۳. جهاد اکبر، سال اول، شماره ۷، ص ۵، ۲۴ صفر ۱۳۲۵ ق.

۱۴. جهاد اکبر، سال اول، شماره ۷، ص ۵، ۲۴ صفر ۱۳۲۵ ق.

۱۵. برای نمونه ر. ک. به: جهاد اکبر، سال اول، شماره ۲۷، پنجشنبه ۸ رمضان ۱۳۲۵ ق.

۱۶. جهاد اکبر، سال دوم، شماره ۲۲، شنبه ۶ رجب ۱۳۲۷ ق.

۱۷. جهاد اکبر، سال دوم، شماره ۲۲، شنبه ۶ رجب ۱۳۲۷ ق.

۱۸. جهاد اکبر، سال اول، شماره ۲۰، ص ۴ و ۵، ۹ جمادی الثانی ۱۳۲۵ ق.

۱۹. در پایان دو نمونه از مقاله های «جهاد اکبر» ارائه می شود.

۲۰. جهاد اکبر، سال دوم، شماره ۱۱، شنبه ۱۰ ربیع الاول ۱۳۲۷ ق.